

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

# شعر جهان

● شعرهای کارلس ریبا / رامون گاژا و فریده دکترزاده

کارلس ریبا (Carles Riba) برترین شاعر کاتالانی سده بیستم است. وی در سال ۱۸۹۳ در بارسلونا به دنیا آمد. در دانشگاه بارسلونا حقوق و فلسفه و سپس در دانشگاه مونیخ ادبیات خواند. در سال ۱۹۱۶ با کلیمنتینا آردریو (Clementina Arderiu)، شاعر کاتالانی، ازدواج کرد. با هم، به آلمان، ایتالیا و یونان سفر کردند. در جوانی اش، در نوشتن لغتنامه زبان کاتالانی<sup>۱</sup> با پومپو فابرا (Pompeu Fabra) در فرهنگستان کاتالونیا همکاری کرد. او شاعر، زبان‌شناس، استاد دانشگاه، مترجم، داستان‌نویس و منتقد ادبی بود. ترجمه‌های او همیشه مستقیم بودند؛ یعنی، از زبان اصلی به کاتالانی. مثلاً، از یونانی (هومر، اسخیلوس، سُفکل، اورپید، افلاتون، پلوتارک یا کاوافیس)، از لاتینی (ویرژیل)، از آلمانی (هولدرلین، ریلکه، کافکا، برادران گریم) و از انگلیسی (ادگار آلن پو). با کودتای ژنرال فرانکو، در شروع سال ۱۹۳۹ به فرانسه می‌گریزد و با خانواده اش، در ده بیثربیل<sup>۲</sup> زندگی می‌کند. در سال ۱۹۴۳ با خانواده اش به کاتالونیا برمی‌گردد، اما دیگر در دانشگاه نمی‌تواند کار کند. در طول این سال‌ها تا روز مرگش، در ترجمه ادبیات یونانی برای بنیاد برنات متزه<sup>۳</sup> کار می‌کند. وی در سال ۱۹۵۹، در شصت و دو سالگی، می‌میرد.

1. *Diccionari general de la llengua catalana*

2. Bierville

3. Fundació Bernat Metge

در شعر او دو دوره قابل تشخیص است: دوره پیش از جنگ داخلی اسپانیا (۱۹۳۶) - (۱۹۳۹) و دوره پس از جنگ. مهمترین کتاب‌های شعر او پیش از جنگ، کتاب نخست بندها<sup>۱</sup> (۱۹۱۹)، کتاب دوم بندها<sup>۲</sup> (۱۹۳۰) و سه سوئیت<sup>۳</sup> (۱۹۳۷) می‌باشند. شعر او در این دوره رئالیستی نیست، بلکه او راه شعر سمبولیست مالارمه، بودلر، ریلکه و والری را ادامه می‌دهد. علاوه بر این، تأثیر شعر پتر ارکا و آوزیاس مارک (Ausias March) نیز در شعر او روشن است. چکامه‌های او در این دوره درباره عشق و شعر است. مثالی از شعر دوره پیش از جنگ چکامه چشمان من است، که ماندگاری عشق واقعی در دل انسان را می‌سراید:

### چشمان من...

چشمان من، چشمانی که آزمند بر صورتم می‌زبید؛  
از راه شما تصویر او، که حفظش را شیرین می‌دارم،  
به سمت دلم پایین آمده است، و نوری آنقدر مقدس آنجا می‌افروزاند  
که دیگر زر خورشیدی که نشانه شکوه شما است، در برابرش بی‌ارزش است.

چطور است که دلتنگی از جسم زیبا و زودگذر او،  
هنوز شما را باز نگاه می‌دارد؟  
زیرا که دیدن او، خزان زده و فرسوده،  
هر اندیشه عشق را با زهر ناراحتی می‌آلاید.

چشمان من، ای کاش با در تاریکی بسته شوید  
و نگاهتان به سوی درونم بچرخد، به سوی دلم،  
و این شناخت بسیار زنده حس  
و بسیار جسمی را، که دیگر بدون ترس است،

به سوی تصویر وفاداری که نمی‌میرد،  
و به سوی عشقی که او را تنگ در بغل می‌گیرد، و به سوی تب، ببرید.

1. Primer llibre d'estances  
3. Tres suites

2. Segon llibre d'estances



● کارلس ریبا برترین شاعر کاتالانی قرن بیستم

مرگ، می تواند بدن زیبا را بخورد،  
اما تصویر درون دلم نخواهد لرزید.

کتاب نخست بندها، شعر ده (۱۹۱۹)

چکامه دیگری، مانند فرمانده، گزیده وازگان در دل شاعر را بیان می کند:

مانند فرمانده

مانند فرمانده ای که با پای بالدار

از میان مردان خوابیده اش می گذرد

و شانه توانمند هر یک از آنانی که در اندیشه اش

انتخاب کرده است، مهربانانه تکان می دهد؛

و آنان بلند می شوند و شمشیر نبرد به دست می گیرند:

این چنین تو، شادی، از درون سینه ترسوی من

واژگان را مانند این گروه گردان دور می‌کنی.  
روز و شب با هم بودیم، اما آنها را بسیار کم می‌شناختم:  
بی صدا خوابیدند، تا اکنون که از من دور می‌شوند  
با موسیقی شگفتی که صدای پرواز دارد.

اما خوب می‌دانم که زیر پرچمت  
چقدر نیرو از من می‌ریایی: هر واژه برای من  
یک جوی خونم، هفت سال عشقم بود.  
و همیشه فتح از برابر ایمانشان می‌گریزد...  
شادی، گردان را به من برگردان، شعرم را به من برگردان.

مانند پدری که پسران جنگجو را  
ترک کرد و روی برج منتظر می‌ماند هستم.  
خالی از واژگان شعرم، آرزویم دنبال آنها  
بیهوده می‌دود: روزی، دستور الهی ات  
واژگان بیشتری را، مانند پسران نوین من، از من خواهد گرفت.  
کتاب نخست بندها، شعر سی و پنج (۱۹۱۹)

شادمان آنکه زیسته است...  
شادمان آنکه زیسته است زیر آسمانی بیگانه،  
و آرامشش تغییر نمی‌کرده است؛  
و آنکه با نگرستن در ژرفای دریایی چشمان عشق،  
غبار فریب‌کاری را ندیده است.

و آنکه روزهایش را، با ارزشی یکسان،  
مانند بخش‌های برابر گنجی قسمت شده،  
دوست دارد؛ و آن کسی که  
به دنبال خاطرات گذران نمی‌رود.



● رامرن گاذا و فریده دکترزاده (عکس از علی دهباشی)

۲۴۹

شادمان آنکه به پشت سر نگاه نمی‌کند،  
به جایی که گذشته سیری ناپذیر  
حتی امید را - که امانت آتش بس مرگ است -  
از ما می‌گیرد.

و آنکه نیز آرزویش را تنها به جلو نمی‌راند:

که پاروها را ترک می‌کند و، دراز کشیده  
در قایقی ظریف، رو به ابرها، بی‌صدا،  
به آرامش آب تسلیم می‌شود.

کتاب دوم بندها، شعرشش (۱۹۳۰)

اواخر ژانویه ۱۹۳۹، چند روز پیش از ورود سپاه ژنرال فرانکو به بارسلونا، ریببا با همسر و سه فرزندش، به فرانسه مهاجرت می‌کند. در هنگام جنگ جهانی دوم، در طول چهار سال، در حالی که در فرانسه زندگی فقیرانه‌ای دارد، مرثیه‌های بیثریل<sup>۱</sup> را

1. *Elegies de Bierville*



می‌نویسد. مرثیه‌های بیثربیل، به سه دلیل کلاسیک هستند: همه شعرها به یونان باستان اشاره می‌کنند؛ وزن این شعرها، همین وزن بیت مرثیه‌ای یونانی را دارد. علاوه بر این، مرثیه‌های ریبا کلاسیک هستند زیرا از هومانیسیم، از جستجوی حقیقت انسانی، ریشه می‌گیرند. به این دلیل این کتاب یکی از شاهکارهای شعر کاتالانی قرن بیستم می‌باشد. این کتاب در سال ۱۹۴۲ در بارسلونا، اما با اسم شهر بوئنوس آیرس (پایتخت آرژانتین)، به خاطر ترس از دیکتاتوری، به چاپ رسید.

در زیر، یکی از این مرثیه‌ها برای خوانندگان پارسی‌گو آورده شده است. ریبا در جوانی با همسرش به یونان سفر کرد و اکنون، غربت گزیده در فرانسه، در میان درختان جنگل بیثربیل، معبد یونان باستان، در دماغه سونیون، را به یاد می‌آورد. در یونان باستان، ملوانان در دریا این معبد را از دور می‌دیدند و برای شناختن راه به سوی آتن برای آنها مفید بود. به خاطر گذشت سده‌ها، چند ستون این معبد از بالای دماغه به دریا افتاده‌اند. اما معبد، مانند شاعر، مانند ملت کاتالانی، با وجود ویرانگی و غربت گزیدگی، هنوز پاکی‌اش را نگاه می‌دارد.

### مرثیه دوم

سونیون! از دور با بانگ شادی تو را به یاد خواهم آورد،  
تو و خورشید وفادارت، پادشاه دریا و باد:  
یاد تو، شادمان همچون نمک برانگیخته موج‌ها، یاد مرمر خالصت،  
روحم را که شریف و باستان است همانند تو، بالا می‌برد.  
معبد مجروح! تحقیرکننده ستون‌هایی  
که در ته پرتگاهت، زیر موج خندان،  
جاودانه می‌خوابند! تو، سفید در بلندی،  
از دریانوردی که به خاطر تو مسیرش را می‌یابد، نگاهداری می‌کنی؛  
از مست نامت، که از میان بلوطزار برهنه،  
بی‌نهایت مانند یقین خدایان، به دنبال تو می‌آید؛  
از تبعید شده‌ای که از میان درختزارهای تاریک ناگهان  
تو را از دور نگاه می‌کند، ای دقیق، ای خیالی! و نیرویت،  
نیروی که از ضربه‌های سرنوشت او را نجات می‌دهد، می‌شناسد،  
ثروتمند از آنچه داده است و در ویرانی‌اش آن قدر پاک.

مهمترین کتاب او پس از مرثیه‌های بیثربیل، دل وحشی (۱۹۵۲) است، که درون‌گرایی بیشتری در آن دیده می‌شود.  
امیدوارم که پس از معرفی شعر کارلس ریبا، در شماره‌های آینده این مجله بتوانم شاعران کاتالانی دیگری را به خوانندگان پارسی‌گو معرفی کنم.

نشر اختران منتشر کرد:

- مارمولک‌ها هم غصه می‌خورند / پرویز رجبی
- نظریه تاریخ مارکس / جرالڈ آلن کوهن / محمود راسخ افشار
- شور خرد / رابرت سالمن و کتلین هیگنر / کیوان قبادیان
- درآمدی بر فلسفه و ادبیات / اوله مارتین اسکیلان / مرتضی نادری دره‌شوری
- سیاست در ایران / جیمز آلن بیل / علی مرشدی زاد
- ایستادگی در برابر نولیب‌الیسم / پی‌یر بوردیو / علیرضا پلاسید
- جایگاه داستان کوتاه در ادبیات امروز ایران / تورج رهنما
- فیزیک‌دانان بزرگ / ویلیام اچ. کراپر / محمد علی جعفری

نشر اختران - تهران - صندوق پستی ۷۶۵-۱۳۱۴۵

تلفن انتشارات: ۶۶۴۱۰۳۲۵ تلفن فروشگاه: ۶۶۴۱۱۴۲۹